

تحرک اجتماعی و گزینش همسر

باقر ساروخانی^۲

مریم فخری^۱

سید محمدصادق مهدوی^۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۸/۲۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۱۰

چکیده

مسئله اصلی این نوشتار شناسایی تحرک اجتماعی از روزنه ازدواج در میان خانواده‌های شهر تهران است. با این مسئله، هدف پژوهش این است که در تهران امروز ازدواج به صورت سنتی است یا مدرن و دایره همسرگزینی در ایران امروز چگونه است. افرادی که ازدواج کرده‌اند در درون گروه خودشان بوده‌اند یا خارج از گروه خودشان ازدواج کرده‌اند؟ در بهره‌مندی از الگوی فعلی همسرگزینی، مردان شانس بیشتری برای خروج از گروه خود دارند یا زنان و ارتقا و صعود فرد از گروه خود، تابع چه متغیرهایی است؟ در این پژوهش از روش میدانی، پیمایش و مصاحبه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش تمام زوجین ساکن شهر تهران هستند. که برای بررسی آن نمونه مورد نظر بر اساس آلفای کرونباخ ۳۸۰ نمونه بوده است که از این تعداد، ۳۵۷ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل نهایی قرار گرفت. نتایج نشان داد افراد در فرایند ازدواج تمایل دارند که از گروه خود خارج شوند به طوری که مردان در مقایسه با زنان در ازدواج، از یک حرکت و انتخاب ارتقایی برخوردار بوده‌اند. از این میان متغیرهای سطح تحصیلات، سطح درآمد و نوع شغل عوامل ارتقادهنده مردان به‌شمار می‌رود. دایره همسرگزینی با اولویت بر ویژگیهای اکتسابی فرد، خانواده و در نهایت ارزشهای سنتی قابل مشاهده است. **کلیدواژه‌ها:** تحرک اجتماعی، ازدواج، ارزش‌های سنتی، تحصیلات، خانواده.

۱ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

maryamfakhri@gmail.com

b.saroukhani@yahoo.com

۲ - نویسنده مسئول: استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، ایران

۳ - استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

sms_mahdavi@yahoo.de

مقدمه

در دوره مدرنیته به دلیل جریان سریع و گوناگون تغییرات اجتماعی و فرهنگی نسبت به جوامع سنتی، تلاش برای گسترش مفاهیم اجتماعی افزایش یافته است. تحریک اجتماعی از جمله مفاهیم اساسی در علوم اجتماعی است که حول محور آن نظریات متفاوتی شکل گرفته است. می توان گفت چگونگی شکل گیری هر گروه و هر طبقه اجتماعی بر اساس سرمایه اقتصادی و اجتماعی و سرمایه فرهنگی خود می تواند مورد بازنگری قرار گیرد. در جوامع امروزی طبقه اجتماعی نه تنها صرفاً بر مبنای شباهتهای کلی اعضای آن شکل نمی گیرد، بلکه هر طبقه با تأثیر و ترکیبی از سرمایه های مختلف می تواند در طبقات صعود و نزول داشته باشد و تحریک اجتماعی را تجربه کند. زندگی در دنیای مدرن به زعم توسعه انسانی و حرکت به سوی مریتوکراسی به فرصت و امکانات مختلف این امکان را به افراد می دهد تا از طبقه ای که در آن زاده شده است جدا، و وارد طبقه متفاوتی از خاستگاه خود شود. از جمله فرصتهایی که امروزه افراد می توانند به واسطه آن تحریک اجتماعی یابند، ازدواج (همسرگزینی) است. ازدواج و همسرگزینی یکی از مهمترین میدانهایی است که در آن می توان شاهد تحریک اجتماعی بود. آنچه می تواند این وضعیت اجتماعی را مورد رصد قرار دهد، عوامل و متغیرهایی است که فرد (زن - مرد) در این میدان (ازدواج) به واسطه آن می تواند متفاوت از خاستگاه اجتماعی خود، همسر خود را انتخاب کند.

موضوع تحریک اجتماعی در مباحث علوم اجتماعی از جمله مباحث مهمی است که می تواند تغییرات اجتماعی را در هر عصری از زندگی اجتماعی به عنوان معیاری برای سنجش میزان باز یا بسته بودن جامعه و شایسته سالاری در آن، مورد مطالعه قرار دهد؛ از جمله راه های مطالعه و بررسی حرکت و جابه جایی افراد در طبقات مختلف اجتماعی می توان به مقایسه موقعیت طبقاتی نسل پدر از نسل پسر اشاره کرد. در جامعه امروز ایران، گروه های گوناگونی زندگی می کنند که در آنها، درجات مختلفی از تأثیرات پیشامدرن و پسامدرن یافت می شود. هر گروهی در داخل هر میدانی برای خود، حوزه عملکردی دارد. در این گروه های مختلف اجتماعی، می توان ازدواج و گزینش همسر را یکی از مهمترین میدانهایی دانست که در آن می توان تحریک اجتماعی را مورد بررسی قرارداد. در چنین فضایی از دوره پسامدرن با توجه به رشد فردیت و کم رنگ شدن ارزشهای اجتماعی، معیارهایی مانند طبقه و وضع اجتماعی مشابه به طور فزاینده ای شکننده می شود و معیارهایی همچون سطح تحصیلات؛ اشتغال و سطح درآمد و پایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد در

انتخاب و گزینش همسر نقش مهمی داشته است. در این مقاله، الگوی تلفیقی ملهم از نظریه بوردیو در تبیین تحرك اجتماعى مورد استفاده قرار گرفته است و بر اساس آن، سعی می‌شود تحرك اجتماعى و همسرگزینی در وضعیت کنونی جامعه ایران تبیین شود.

نظامهای قشربندی به لحاظ میزان انعطاف‌پذیری با هم متفاوت هستند. منظور از انعطاف‌پذیر بودن یا نبودن نظام قشربندی، فرصتهای زیاد یا کمی است که جامعه برای گذر از یک موقعیت به موقعیت دیگر در مقیاس اجتماعى به افراد عرضه می‌کند (نیک گهر، ۱۳۷۳: ۱۴۷). در جهان امروز، نابرابری و محدودیت در دستیابی به جایگاه ممتاز و مطلوب، انگیزه لازم را در میزان دسترسی افراد به موقعیت‌های ممتاز و تحرك اجتماعى در جوامع دارد. افراد صرفاً بر اساس عوامل هویتی و ثروت و یا مالکیت ابزار تولید از یکدیگر جدا نمی‌شوند؛ بلکه عوامل دیگری نظیر تحصیلات، شغل، منزلت و احترام و ازدواج با همسری ناهمسان - از گروه و طبقه‌ای دیگر - می‌تواند تعیین‌کننده تفکیک اجتماعى باشند. از جمله حالت‌هایی که در ساختار طبقاتی هر جامعه‌ای قابل مشاهده است، نابرابری‌هایی است که افراد در خلق آنها هیچ نقشی نداشته است. هر فرد در خانواده‌ای به دنیا می‌آید که در تقسیم‌بندی طبقاتی به طور تصادفی جزء یکی از طبقات اجتماعى به‌شمار می‌رود؛ به دلیل همین خاستگاه از بسیاری از مواهب و فرصتهای بی‌بهره می‌گردد که حد تمام این حالت را می‌توان در «جوامع کاستی»^۱ مشاهده نمود. در جوامع کاستی، تحرك طبقاتی و هیچ‌گونه تغییر پایگاه امکان‌پذیر نیست. نظام کاستی، ارتباط کاستها یا طبقات کاملاً بسته موروثی تقریباً با یکدیگر قطع شده است (و ثوقی، ۱۳۷۶: ۲۳۲). «یک کاست در کل جامعه عبارت از گروه اجتماعى (در معنای گروهی نامشخص، قشر اجتماعى خاص) بسته‌ای است که «درون همسری» در آن معمول می‌شود و افرادش مشاغل، اعتقادات و هم‌چنین آداب، مناسک و سنی ویژه دارند. هیچ‌کس نمی‌تواند از کاستی به کاست دیگر راه یابد» (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۴۳)؛ به عبارتی هر فرد باید در داخل کاست خود ازدواج کند؛ بالعکس در جوامع غیر کاستی، جامعه این اجازه را به افراد می‌دهد تا بر اساس انتخاب هدفمندی که دارند، خارج از گروه یا طبقه خود، همسری را برای خود انتخاب کنند. سورکیم^۲ یکی از عوامل تحرك اجتماعى را «عدم تشابه میان فرزندان و والدین آنها می‌داند؛ به این معنا که ممکن است در اخلاق، هوش و شاخصهای فردی یکسان نباشد و سرانجام تغییر محیط اجتماعى را منجر گردد» (اشرف، ۱۳۴۶: ۲۳).

در روند زندگی اجتماعی و شهروندی شدن، امکاناتی را جامعه در اختیار فرد قرار می‌دهد و هم‌چنین بر اساس جهد، تلاش و شایستگی‌هایی که خود کسب می‌کند در جهت رسیدن به موقعیت بهتر و بالاتر حرکت می‌کند. با توجه به این دیدگاه لیاقت، شایستگی و استعداد می‌تواند انگیزه‌ای برای تحرک اجتماعی شود و خاستگاه طبقاتی افراد سرنوشت آنها را تعیین نمی‌کند. «دورکیم معتقد است که در جوامع سنتی با همبستگی مکانیکی ویژگیهای انتسابی (نژاد، جنس، رنگ و پوست) نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد تمایزات اجتماعی ایفا می‌کردند؛ اما در جوامع صنعتی بتدریج ویژگیهای انتسابی کمرنگ شد و جای آن را ویژگیهای اکتسابی از جمله استعداد و پشتکار و کارایی افراد گرفت. همین تغییر در عوامل تعیین‌کننده در نظام تقسیم‌کار نوع جدیدی از همبستگی اجتماعی را پدید می‌آورد که دورکیم همبستگی ارگانیکی می‌نامد» (راد، ۱۳۹۲: ۱۵۱)؛ به عبارتی دورکیم بر این باور است که شرط اصلی پیشرفت و تحرک ارتقایی هر کس در جوامع پیشرفته صنعتی وجود موقعیت‌های یکسان برای افراد است. این جوامع فرصتهای برابری را در چارچوب انسجام ارگانیکی برای همه فراهم می‌کند؛ لذا تفاوت افراد در ساختار اجتماعی صرفاً ناشی از تفاوت آنها در شایستگی و استعدادهای فردیشان است. هنگامی که استعدادها با سرعت متفاوتی رشد پیدا می‌کند، هر یک بر اساس علاقه و معیارهایی به‌سویی جذب می‌شوند. «موقعیت‌هایی که کنشگران در فضای اجتماعی اشغال می‌کنند با یکدیگر مرتبط هستند. که ممکن است بر حسب شغل، سواد یا نزدیکی به قدرت تعریف شوند» (جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۳۱۷) به‌طوری‌که افراد چه در پیدا کردن شغل و چه در انتخابهای دیگری همچون گزینش همسر در موقعیتی قرار می‌گیرند؛ از جمله این موقعیت‌ها و یا میدان(ها)، ازدواج و گزینش همسر است. میدان ازدواج به‌عنوان یکی از مهمترین و کلیدیترین اقدامهای دوران جوانی قلمداد می‌شود. فرد سعی دارد که به بهترین شکل از مهمترین سرمایه‌های اکتسابی و انتسابی خود، همسری را برای خود برگزیند که حداکثر سود و نفع را به‌دست آورد؛ بنابراین بر اساس انگیزه‌های ارتقایی که کاملاً جنبه فردی دارد، وارد میدان زناشویی می‌شود؛ لذا با هویت فردی خود به‌دنبال دستیابی به اهداف فردی خود است و ازدواج و گزینش همسر را از یک امر اجتماعی به واقعیت فردی هدایت می‌کند. در این میدان می‌توان گفت خانواده امروزی در مقایسه با جوامع سنتی، دچار تغییر جایگاه شده و در همراهی جوانان در رسیدن به ازدواج در حاشیه قرار داشته و جنبه تشریفاتی به خود گرفته است. بدیهی است در این حالت جایگاه خانواده از حالت مستشاری و رهبری خارج می‌شود و مرجعیت در دست سرمایه‌های اکتسابی خود فرد است.

با توجه به وجود رابطه این‌همانی میان ازدواج و تحرك در میان گروه و طبقه اجتماعى، انگیزه تحرك و جابه‌جایی افراد مانند شمشیر دولبه‌ای است که از یک‌سو موجب ارتقای فرد و پیشرفت جامعه می‌شود و از سویی دیگر در عصر کنونی موجب تضعیف جایگاه خانواده در انتخاب همسر برای فرد می‌گردد. نویسنده مقاله در راستای اهمیت موضوع به منظور بررسی حوزه مطالعه تحرك اجتماعى و برآورد اینکه پژوهشگران گذشته نسبت به تحرك اجتماعى به کدام دست از متغیرهای اجتماعى تأکید و توجه نشان داده‌اند، مطالعات آنها را به صورت ذیل طبقه‌بندی کرده است.

جدول ۱: چکیده مطالعات صورت گرفته

ردیف	عنوان و نویسنده	روش	متغیرهای مورد بررسی	نتیجه‌گیری
۱	(کاظمی پور، ۱۳۷۴: ۳۷). تحرك اجتماعى در ایران (مطالعه موردی: شیراز و تهران)	اسنادی - پیمایشی - پرسشنامه	مقایسه مشاغل کنونی با مشاغل پدران و مشاغل شاغلین در این دو شهر	در شهر تهران ۴۲/۵ درصد و در شهر شیراز از ۳۲/۸ درصد تحرك شغلى صعودی و بقیه تحرك شغلى نزولى داشته‌اند. بیشترین میزان تحرك شغلى صعودی در تهران، مربوط به شاغلان مشاغل متوسط بالا و در شهر شیراز متعلق به شاغلان رده بالا بود و بیشترین میزان تحرك نزولى در تهران مربوط به مشاغل پایین و در شیراز مربوط به کارگران بوده است (کاظمی پور، ۱۳۷۴: ۳۷).
۲	قائمی‌زاده (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر تحرك درون نسلى و بین نسلى	اسنادی - پیمایشی - پرسشنامه	قومیت، مهاجرت، بعد خانوار، تعداد فرزندان، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل پدر، شغل اول فرد، تحصیلات فرد	فقط دو متغیر تحصیلات فرد و شغل پدر دارای تأثیر معنادار بود. به‌عنوان نتیجه‌گیری نهایی در این مطالعه بیان شد که ۳۹ درصد از منزلت شغلى مردان با تحصیل آنها و حدود ۲۹ درصد دیگر آن توسط اولین شغل فرد توضیح داده می‌شود و ۳۲ درصد به عوامل دیگری نظیر تحصیلات پدر و مادر و دیگر عوامل اقتصادى اجتماعى فرد بر می‌گردد.
۳	(مرادى و همکاران، ۱۳۹۴). نقش آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد اجتماعى در تحرك اجتماعى	اسنادی - پیمایشی - پرسشنامه	تحصیلات، جنسیت، نژاد، شغل پدر	علل وجودى تحرك اجتماعى را وجود نابرابریها، اعم از سیاسى، اقتصادى، اجتماعى بیان کرده‌اند. افراد در جایگاه خود برای دستیابی به منزلت و رفاه اجتماعى به تغییر پایگاه اجتماعى خود دست می‌زنند که یکی از این ابزار آموزش و پرورش است. با استفاده از متغیر تحصیل خود را برای گرفتن مشاغل آماده می‌کنند که دارای پایگاه اجتماعى بالایی هستند. آموزش و پرورش هم‌چنین می‌تواند از طریق اتخاذ سیاستهایی مانند بورس تحصیلی راه را برای افراد کم‌درآمد جامعه که در طبقه اجتماعى پایین قرار دارند، هموار کند تا بتوانند پایگاه اجتماعى خود را تغییر دهند.
۴	معصومی‌راد و نایی در (۱۳۹۲). عوامل اجتماعى مؤثر بر تحرك اجتماعى (شغلى) اعضاى هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامى	اسنادی - پیمایشی - پرسشنامه	جنسیت، قومیت، مذهب	بین متغیرهایی چون جنسیت، قومیت و مذهب با تحرك اجتماعى درون نسلى رابطه معنادارى به دست نیامد؛ ولی در مورد تحرك بین‌نسلى در میان مردان و زنان، اهل سنت، شیعیان و هم‌چنین اقوام مختلف تفاوت معنادارى مشاهده شد. فرصتهای تحرك شغلى پس از اشتغال برابر بوده و فرصتهای نابرابر به عوامل برون‌سازمانى و قبل از استخدام مربوط است.
۵	آئینگ‌هو ^۱ (۲۰۱۵). بررسی، همسانی تحصیلاتی در ازدواج میان افراد و نابرابری درآمدی آنها در کشور چین در مقایسه با سال‌های ۱۹۹۵، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ میلادی	اسنادی - کیفی	تحصیلات، پیشینه طبقاتی و یا خانوادگی مشابه	در این تحقیق به بررسی الگوهای انتخاب همسر پرداخته شده که آن در نتیجه افزایش و ارتقای موفقیت‌های تحصیلی بسرعت در حال تغییر است که ضمن در نظر گرفتن پیشینه طبقاتی و یا خانوادگی مشابه، افراد همسری را بر می‌گزینند که به لحاظ تحصیلاتی دارای سطوح مشابهی باشند.

ادامه جدول ۱: چکیده مطالعات صورت گرفته

ردیف	عنوان و نویسنده	روش	متغیرهای مورد بررسی	نتیجه گیری
۶	استیژن و رز (۲۰۱۴). بررسی تحرک پذیری، ناهماهنگی، ناهمخوانی فرهنگی و بین طبقات اجتماعی	اسنادی - پیمایشی - پرسشنامه	پیشینه طبقاتی و با خانوادگی مشابه	افراد وقتی دستخوش تحرک اجتماعی می شوند. با برخی از مجموعه های متفاوتی از انتظارات و خواسته های مربوط به آداب و رسوم فرهنگی روبه رو می شوند که در این فرایند تحرک و رویارویی طبقاتی، افراد می توانند مجموعه ابزارهای فرهنگی خود را توسعه و گسترش و آنها را با آداب و رسوم فرهنگی خود تطبیق دهند؛ به عبارتی افراد از طریق تحرک اجتماعی و ازدواج غیرخویشاوندی والدین و اشکال دیگر به صورت البته ناهمگن اجتماعی می شوند.
۷	ایمانی و سفیری (۱۳۸۵) حرکت اجتماعی بین نسل زنان در تهران با تأکید بر دسترسی به امکانات و فرصت ها	اسنادی - پیمایشی - پرسشنامه	سطح تحصیلات، تعداد فرزندان، سن ازدواج، منزلت شغلی و تصمیم گیری در انتخاب همسر	نتایج نشان داد که نسل دختران نسبت به نسل مادران و مادر بزرگپاشان دارای تحرک اجتماعی صعودی بین نسلی بوده اند. مقایسه نمره های شاخصهای تحرک اجتماعی در هر نسل بیانگر بیشتر بودن نمره تحرک اجتماعی دختران نسبت به مادران و مادران نسبت به نسل پیش خودشان بوده و در میان عوامل مؤثر در نسل دختران، درآمد والدین مهمترین نقش را در میان دیگر متغیرهای مستقل به خود اختصاص داده است در حالی که در نسل مادران آنها نسبت به مادر بزرگها سن ازدواج مهمترین نقش را ایفا می کرد.
۸	غفاری (۲۰۱۶) بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی عینیت یافته بر تحرک اجتماعی میان نسلی در شهر گرگان	اسنادی - پیمایشی - پرسشنامه	تحصیلات، اصالت خانوادگی، منزلت اجتماعی	نتایج پژوهش نشان داد که بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته با تحرک اجتماعی میان نسلی افراد در شهر گرگان در سطح ضریب اطمینان ۹۵ درصد رابطه وجود ندارد. تفاوت جنسیتی در میزان تحرک اجتماعی وجود دارد که به نفع مردان است. میزان تحرک اجتماعی پاسخگویان، ۸/۶ درصد دارای تحرک میان نسلی نزولی، ۲۴ درصد دارای تحرک میان نسلی افقی و ۶۷/۴ درصد دارای تحرک میان نسلی صعودی بوده اند.
۹	قائم زاده و همکاران (۱۳۹۴). روند تحرک اجتماعی در ایران طی پنج دهه اخیر	اسنادی - پیمایشی - پرسشنامه	گروه های عمده شغلی	نتایج تحقیق نشان می دهد، کارکنان مستقل و کارکنان فامیلی بدون مزد طی پنج دهه گذشته روند کاهش در حد ۱۰ درصد و بالعکس مزد و حقوق بگیریان بخش عمومی در حد ۱۰ درصد روند افزایشی داشته است. کارفرمایان نیز در حد ۳ درصد روند افزایشی داشته اند.
۱۰	کاظمی پور (۱۳۷۴). الگوی در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی، مطالعه موردی شهر تهران	اسنادی - پیمایشی - پرسشنامه	پایگاه اقتصادی اجتماعی پدران و پسران، سطح درآمد، تحصیلات	نتایجی که به دست آمد چنین بود که ۲۲/۹ درصد از جامعه مردان شاغل ۳۰ سال به بالای ساکن شهر تهران در مراتب بالای اجتماعی - اقتصادی قرار دارند؛ ۳۸/۷ درصد در طبقه متوسط و ۳۸/۴ درصد در طبقات پایین جامعه قرار دارند. مقایسه منزلت طبقاتی پاسخگویان با پایگاه اجتماعی اقتصادی پدرشان تحرک اجتماعی را نشان داد که در تحویل و تحول میان نسل ۳۸/۷ درصد نسل کنونی همان وضع طبقاتی نسل پیشین خود را حفظ کرده است و ۶۱/۳ درصد آن را تغییر داده اند. نتایج بیانگر این است که جامعه شهر تهران از نظر ساختار طبقاتی، جامعه ای باز است ولی میزان جابه جایی و تحرک اجتماعی فقط در حد یک طبقه بوده است.

نتایج تحقیقات مطالعه پژوهشگران در زمینه تحرک اجتماعی، که هر کدام از روزه های خاص مورد بررسی قرار گرفت، این امکان را برای پژوهشگران آینده فراهم می آورد تا یافته ها را مورد مقایسه قرار دهند و شاخصهایی را شناسایی کنند که دیگر محققان در پژوهش خود، مورد بررسی قرار داده اند. عموماً در تحقیقات پیشین زمینه های اجتماعی مختلفی از جمله شغل پدر و فرزندان و سطح درآمد و دارایی و سطح تحصیلات، به عنوان مبنا مورد توجه قرار داده شده است. در بیشتر مطالعات تحرک اجتماعی از نگاه غیر طبقه ای مورد بررسی قرار گرفته است و کسانی که در

موقعیت اجتماعی، منزلت و ثروت و تحصیلات بالا هستند، زمینه لازم را برای ارتقا و تحرك اجتماعي فرزندان ایجاد می کنند؛ به عبارتی جامعه، افراد را با اکتساب و امتیاز شاخصهای مورد نظر از فرصتهای اجتماعی برابر برخوردار می کند. در این صورت نسل فرزندان در قیاس با نسل پدران خود از تحرك اجتماعي بیشتری برخوردارند.

می توان گفت الگوی قالب تحرك اجتماعي در مطالعات صعودی است که نشان می دهد جامعه ایران، جزو جوامعی است که دارای ساختار طبقاتی باز و میزان جابه جایی آن فراتر از طبقه خود نیست. عمده تحرك اجتماعي در جامعه نیز تحرك شغلی است که مهمترین شاخص آن، تحصیلات است. هم چنین جنسیت، شغل پدر، میزان دارایی خانواده و خود فرد به عنوان عوامل متعددی است که می تواند به تحرك اجتماعي منجر گردد.

در این مقاله با توجه به اینکه محقق تحرك اجتماعي را از روزنه همسرگزینی مورد بررسی قرار می دهد، لازم و ضروری می داند به منظور ساخت فضای ذهنی خوانندگان و غنای محتوا، آن بخش از دیدگاه های نظری همسرگزینی را که به حرکت و جابه جایی فرد از گروه اجتماعي خود منجر می شود، برای تبیین استفاده کند. به این منظور در ابتدا در مورد اینکه افراد در قاعده ازدواج و همسرگزینی در محور تحرك اجتماعي بر اساس توجه به کدام یک از قواعد اجتماعي (که در متن نظریه تأکید شده است)، همسر خود را گزینش می کنند به نظریات همسرگزینی و قشربندی بوردیو اشاره می کند و سپس به منظور ورود به چارچوب نظری با استمداد از نظریه میدان بوردیو و نظریه میدان انتخابی وینچ، پشتیبانی فکری و اندیشه ای لازم و الگوی نظری را فراهم خواهد کرد.

نظریه همگرایی ساختار خانواده (ویلیام گود)؛¹ ویلیام گود با طرح فکر انقلاب جهانی در الگوی خانواده به گستره تأثیرات فرایند نوسازی بر خانواده و الگوی ازدواج اشاره می کند و معتقد است که این فرایند در سطوح مختلف فردی و اجتماعي، ازدواج و الگوهای آن را تحت تأثیر قرار می دهد. وی دگرگونیهای خانواده را نتیجه مطلوب ناپذیر دگرگونیهای ساختاری جامعه و دگرگونیهای ایدئولوژیکی می داند. گود معتقد است زمانی که دگرگونیهای ساختاری (مانند صنعتی شدن و شهرنشینی) و دگرگونیهای ایدئولوژیکی در سطح کلان رخ می دهد، سازمانهای سطوح خرد مثل خانواده نیز اجباراً باید خود را با این دگرگونیهای سطح کلان انطباق دهند. او دگرگونیهای خانواده را نتیجه اجتناب ناپذیر دگرگونیهای ساختاری (جامعه) و دگرگونیهای

ایدئولوژیکی می‌داند.

به عقیده ویلیام گود، زمانی که دگرگونیهای ساختاری در سطح کلان (دگرگونیهای مانند صنعتی شدن و شهرنشینی) و دگرگونیهای ایدئولوژیکی نیز در سطح کلان رخ می‌دهد، سازمانهای سطوح خرد (خانواده) نیز اجباراً باید خود را با این دگرگونیهای سطح کلان انطباق دهند» (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۷). «طبق نظریه همگرایی ساختار خانواده، مدرنیزاسیون در سطح فردی و اجتماعی با تأثیرگذاری بر زمان ازدواج صورت می‌گیرد. از بین مهمترین شاخصهای مدرنیزاسیون می‌توان به گسترش فرصتهای تحصیلی، تغییرات وسیع در نیروی کار و فعالیتهای شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره کرد» (محمودیان، ۱۳۸۳: ۴۳).

نظریه گزینش معقولانه (هکتر)^۱: بر اساس این نظریه، افراد آگاه و هدفمند در هر موقعیتی به دنبال افزایش سود خود هستند و انتخاب خود را فقط بر اساس منافع و زیانهایی که می‌تواند برای آنها داشته باشد، قرار می‌دهند و چیزی را انتخاب می‌کنند که بیشترین سود و کمترین ضرر را برای آنها داشته باشد. «تمایز اساسی میان این نظریه با دیگر نظریه‌های مطرح در باب ازدواج این است که بیشتر نظریات به ازدواج به عنوان یک عمل اخلاقی نگاه می‌کنند؛ اما این نظریه به ازدواج از دیدگاه فایده‌گرایانه می‌نگرد. متفکرانی که بر اساس نظریه انتخاب عقلانی به تبیین عمل جمعی می‌پردازند، معتقدند مردم به رفتارهایی تمایل دارند که نفع آنها در آن رفتار بیشتر تأمین می‌شود» (سروش، ۱۳۷۳: ۶۹). در زمینه ازدواج با بهره‌گیری از نظریه انتخاب عقلانی می‌توان اذعان کرد: افراد همسری انتخاب خواهند کرد که سودی در آن انتخاب نهفته باشد به طوری که بتوانند از طریق ازدواج، پایگاه و منزلت اجتماعی خود را حفظ کنند و یا ترقی دهند.

نظریه فردگرایی (آلکسی دو تو کوویل)^۲: «از نظر تو کوویل در عصر برابری، هر فرد احساساتش را به سمت خود می‌چرخاند که نمی‌توان به آن نام خودخواهی داد؛ زیرا خودخواهی از گزینه کورکورانه‌ای سرچشمه می‌گیرد. نام خاصی که به این حالت می‌توان داد، فردگرایی است. فردگرایی، احساس اندیشیده و آرامی است که هر فرد در اختیار دارد و به وسیله آن، خود را از توده ممنوعش جدا تصور می‌کند و با خانواده و دوستانش خود را به کناری می‌کشد به گونه‌ای که پس از به وجود آمدن جامعه کوچک برای خود، جامعه بزرگ را به حال خود وا می‌گذارد. دموکراسی در عصر حاضر، حلقه‌های زنجیره‌ای خانوادگی را از هم گسسته و هر کس را

1 - Hechter - The Rational choice Theory
2 - Alexi Du Tokvill - Individualism Theory

به صورت یک حلقه جدا در آورده است. دموکراسی، این گونه موجب توسعه فردیت می شود و فرد را در معرض این تهدید قرار می دهد که به درون خود و در تنهایی مطلق قلب خویش فرار کند. به نظر دوتوکویل، فردیت موجب می شود که جامعه، فرد را از ماهیت خود تهی سازد» (توسلی، ۱۳۸۴: ۱۰۷). «درواقع فردگرایی، آیین یا اصول اخلاقی است که منافع و علائق فرد را برتر از جمع می شمارد. فردگرایی، احساسی است که هر عضو جامعه از خانواده و دوستان خویش کنار می کشد و نوع معینی از جامعه را تشکیل می دهد که در آن، احترام اندک به سنتها گزارده می شود. فردگرایان به لحاظ عاطفی از درون گروه های خود جدا هستند و به خود، استقلال، لذت و تعقیب خوشبختی تأکید می کنند» (فنی، ۱۳۷۸: ۱۶۶).

نظریه نیازهای مکمل (وینچ)^۱: «بر اساس این نظریه، انسانها نیازهایی دارند که از طریق روابط اجتماعی برآورده می شود. نیازهایی مانند حمایت عاطفی، مراقبت و ارضای جنسی در درون مجموعه ای از افراد واجد شرایط، افرادی که الگوهای نیازهایشان، ارضای متقابل را تأمین کند، همدیگر را به عنوان شریک ازدواج انتخاب می کنند. افراد، همسری انتخاب می کنند که بیشترین امکان رفع نیازها را برای آنها داشته باشد و این اتفاق زمانی رخ می دهد که نیازهای زن و مرد مکمل یکدیگر باشد نه مشابه هم» (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

«بنابر این نظریه، ناهمسانی دو فرد از لحاظ توان ذهنی از یک سو میان آنها پیوند ایجاد می کند و از سوی دیگر، کمکی در ارضای زندگی زناشویی است. به نظر او هر کس در پی ارضای پاره ای از نیازهای شخصی است و همین نیازهای ارضا نشده است که فرد را به سوی انتخاب همسری می راند که به سبب دارا بودن ویژگیهای شخصی متفاوت، امکان برآورده ساختن نیازهای وی را داشته باشد. او مدعی است که اگر شوهر به فرماندهی متمایل باشد، زن احتمالاً مایل است منشی فرمانبر و چیره پذیر داشته باشد و بالعکس اگر مرد دارای ویژگی مطیع باشد، زن موجودی مستقل و حاکم می گردد. کتسین^۲ حامی دیگر این نظریه است. بنا بر نوشته او، تمایل افراد به انتخاب همسری که از نظر عاطفی همانند آنها نباشد، بسیار نیرومندتر از کششی است که آنها را به سوی انتخاب همسر همسان می کشاند» (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۸۲ و ۸۳). «از سوی دیگر، این تفاوت آن چنانکه در آغاز به نظر می رسد، جدی و محسوس نیست. حتی وینچ نیز روند جبری عوامل مکانی را در زمینه زناشویی می پذیرد؛ لیکن به گمان او این شاخص «میدان انتخابی» را به-

وجود می‌آورد که هر فرد در داخل آن می‌تواند به انتخاب بپردازد. در نتیجه چنانکه می‌بینیم حتی میان این اندیشه‌های گوناگون و ناساز هم نقاط مشترکی می‌توان یافت» (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۱۳۶).

نظریه میدان (پیر بوردیو)^۱: «بنا به تعریف بوردیو میدان، عرصه‌ای اجتماعی است که مبارزه‌ها یا تکاپوها بر سر منابع و منافع معین و دسترسی به آنها در آن صورت می‌پذیرد. میدانها با اقلامی تعیین و تعریف می‌شود که محل منازعه و مبارزه است. کالاهای فرهنگی، سبک زندگی، مسکن، تمایز و تشخیص فرهنگی (تحصیل)، اشتغال، زمین، قدرت (سیاست)، طبقه اجتماعی، منزلت یا هر چیز دیگری ممکن است به درجات متفاوتی خاص و انضمامی باشد. هر میدان به دلیل محتوای تعریف‌کننده خود، منطبق متفاوتی و ساختار ضرورت و مناسبت بدیهی‌انگاشته متفاوتی دارد که هم محصول و هم تولیدکننده [ساختاری] است که مختص و درخور آن میدان است. میدان نظام ساخت‌یافته موقعیت‌هایی است که ماهیت آن تعریف‌کننده وضعیت برای دارندگان این موقعیت‌هاست. [و توسط افراد یا نهادها اشغال می‌شود]. هم‌چنین میدان نظام نیروهایی است که بین این موقعیت‌ها وجود دارد. میدان از درون بر اساس روابط قدرت ساخت می‌یابد» (چاویشیان و جو افشانی، ۱۳۸۵: ۱۳۵ و ۱۳۶).

«عرصه نوعی قلمرو زندگی اجتماعی است که دارای قواعد سازماندهی خاص خود است و مجموعه‌ای از موقعیت‌ها را فراهم می‌کند و حامی کنشهای مرتبط با آن موقعیت‌هاست و مشارکت‌کنندگان عرصه‌های اجتماعی درست همانند بازیگران بازی، در موقعیت‌های متفاوتی قرار دارند؛ مثلاً و کیلی در شهری کوچک و قاضی دیوان عالی هر دو در عرصه حقوقی مشارکت دارند؛ اما موقعیت‌های متفاوت آنان فرصتهای متفاوتی در اختیارشان قرار می‌دهد و باعث می‌شود راهبرد متفاوتی برگزینند. از نظر بوردیو کنش هر عرصه صرفاً بازتاب مکانیکی موقعیت‌های تثبیت‌شده نیست، بلکه محصول انواع طرحهای متضاد موضع‌گیری است» (جلایی پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۳۲۰).

میدان، فضای اجتماعی ساخت‌یافته یا میدانی از نیروهاست که در درون آن با افراد دارای استیلا و افراد زیر استیلا با روابط پیوسته و پایدار و با نابرابریهایی که درون این میدان اتفاق می‌افتد سروکار داریم. این میدان در عین حال میدان مبارزه برای تغییر یا حفظ میدان مبارزه نیز هست. هر کس درون این جهان درگیر رقابتی می‌شود که موضوع آن به‌دست آوردن قدرت (نسبی)

[بیشتری] است که در دست دارد و از طریق این موقعیت او درون میدان و در نتیجه از طریق راهبردهایش مشخص می‌شود (فکوهی، ۱۳۸۷: ۶۸).

«بورديو از چندین میدان سخن می‌گوید؛ برای مثال از میدان زیباشناختی، میدان قانون، میدان سیاسی، میدان فرهنگی، میدان آموزشی، میدان دینی. هر یک از این میدانها بر اساس الگوی «بازار» در نظر گرفته می‌شود که برای کالاهای نمادینی که در هر میدان تولید می‌شود، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان وجود دارد؛ برای مثال، میدان هنر متشکل است از نقاشان، خریداران آثار هنری، منتقدان و مدیران موزه‌ها و از این قبیل» (چاوشیان، ۱۳۸۳: ۳۴۰).

نظریه قشربندی^۱ بورديو (تحرك اجتماعي): سرمایه به منابع یا توان در اختیار فرد یا موقعیتی اجتماعی اشاره دارد که از نفوذ اجتماعی یا رواج برخوردار است - سرمایه گونه‌های مختلفی دارد - سرمایه اقتصادی (ثروت)، سرمایه فرهنگی (صلاحیت، دانش)، سرمایه نمادین (افتخار و پرستیژ) و سرمایه اجتماعی (پیوندهای اجتماعی و اعتماد) (جلیلی، ۱۳۸۶: ۱۹۷).

«مفهوم سرمایه در نظریات بورديو با مفاهیم دیگر وی همچون منش و میدان ربط زیادی دارد و با در نظر داشتن این ارتباط می‌توان، نظریه وی را در مورد قشربندی اجتماعی و امکان تحرك افراد در درون یا بین طبقات ترسیم کرد؛ چنانکه ذکر شد، وی انواع سرمایه را به چهار دسته تقسیم می‌کند: ۱ - سرمایه اقتصادی ۲ - سرمایه اجتماعی ۳ - سرمایه فرهنگی ۴ - سرمایه نمادین.

سرمایه اقتصادی با «مفهوم مارکسی» سرمایه تشابه زیادی دارد و شامل سرمایه اقتصادی می‌شود که رابطه افراد را در نظام تولید مشخص می‌کند. مفهوم سرمایه اجتماعی به تعاملات و روابط اجتماعی افراد اشاره دارد و تعیین‌کننده میزان، دامنه و شعاع رابطه و اعتماد فرد با افراد دیگر و عضویت در شبکه‌های مختلف است که این امکان و فرصت را فراهم می‌آورد تا فرد با آسانی بیشتر به اهداف و خواسته‌های خود در میدانهای عمل اجتماعی دست یابد. مفهوم سرمایه فرهنگی وی، که به «مفهوم وبری» آن نزدیک است، بیانگر مهارتها، آموزشها، علائق، چگونگی سخن گفتن، تحصیلات و تمام شیوه‌هایی می‌شود که فرد از طریق آن خود را از دیگران متمایز می‌سازد؛ لذا مفهوم سرمایه فرهنگی بورديو تعیین‌کننده سبک زندگی افراد نیز هست. مفهوم سرمایه نمادین که شامل کاربرد نمادهایی می‌گردد که فرد به کار می‌گیرد تا به سطوح دیگر سرمایه خود مشروعیت بخشد» (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۱).

از دیدگاه بورديو سه عامل در سرمايه تأثیر می‌گذارد: ۱ - حجم سرمايه^۱ ۲ - ترکیب سرمايه^۲ ۳ - مسیر سرمايه^۳. حجم به میزان برخورداري از انواع سرمايه مربوط می‌شود. ترکیب به میزان فراوانی نسبی هر یک از چهار نوع سرمايه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین مربوط می‌شود. بر مبنای نظریه بورديو بعضی از افراد حجم کمی از سرمايه چه اقتصادی و چه فرهنگی را دارند که ترکیب آن دو به جایی نمی‌رسد؛ اما از سوی دیگر، میزان زیاد سرمايه فرهنگی در کنار میزان زیاد سرمايه اقتصادی قرار می‌گیرد؛ به این معنا که دارندگان میزان زیاد سرمايه اقتصادی به میزان زیاد، امکان دستیابی به میزان زیاد سرمايه فرهنگی را نیز خواهند داشت و هم‌چنین بالعکس بویژه اگر برخورداري از این سرمايه‌ها در چند نسل تداوم داشته باشد و بالاخره عامل سوم در سرمايه که از نظر بورديو با اهمیت است، «مسیر» است. از نظر وی همه ما امکان تحرک طبقاتی داریم که این امر از منشأ طبقاتی آغاز می‌شود تا موقعیت کنونی ما حرکت می‌کند؛ به‌طور مثال فرزند یک مغازه‌دار کوچک ممکن است با کسب سرمايه فرهنگی به موقعیت اقتصادی و سیاسی قابل توجهی دست یابد. هر فردی مسیری را در زندگی اجتماعی خود طی می‌کند که آن مسیر می‌تواند او را از یک نقطه به نقطه دیگر حرکت دهد. در مواردی این مسیر می‌تواند صعودی باشد و در مواردی هم نزولی (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

چارچوب نظری با تکیه بر نظریه میدان بورديو و میدان انتخابی وینچ: «به‌طور کلی چارچوب نظری پایه‌ای است که تمام تحقیق بر آن تکیه می‌کند. یک شبکه منطقی، توسعه یافته، توصیف شده و کامل بین متغیرهایی است که از طریق فرایندهایی مانند مصاحبه، مشاهده و بررسی ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق مشخص شده است. این متغیرها با مسئله تحقیق در ارتباط است» (خاکی، ۱۳۸۴: ۳۰). بر اساس دیدگاه بورديو، جامعه متشکل از سلسله مراتب ساخت یافته از میدانهای مختلفی است. ما می‌توانیم هر میدان را بر اساس نوع کنش و فعالیت خود به انواع میدان از جمله میدان سیاسی، میدان اقتصاد، میدان هنر، میدان آموزش و میدان ازدواج تقسیم کنیم. کنشگران در درون هر میدان بر اساس منش، سلیقه و موقعیت خود برای کسب منفعت به رقابت می‌پردازند. یکی از این میدانها میدان ازدواج است. بر اساس دیدگاه بورديو میدان ازدواج همانند دیگر میدانها، مستقل از کنشگران نیست. در درون میدان ازدواج فرد تلاش می‌کند تا بر اساس بهره‌مندی

از سرمایه‌های مختلف، منابع بهتر و بالاتری را برای این رقابت از میدان کسب کند. توان و انعطافی که تحرك اجتماعى در دیدگاه بورديو به خود اختصاص داده است، امکان تبدیل هر يك از سرمایه‌ها به نوع دیگری از سرمایه است که در نوع خود ارزش افزوده نظریه میدان بورديو به شمار می‌رود. بر این اساس فرد بر اساس برخوردارى از ظرفیت سرمایه فرهنگى مانند تحصیلات، خود به خود از سرمایه نمادین نیز برخوردار خواهد بود.

این بهره‌مندی کنشگر باعث می‌شود تا فرد با قرارگیری در جایگاه خود در داخل میدان ازدواج با نوع انتخاب همسر، سرمایه نمادین خود را ارتقا بخشد و انگیزه و جرأت آن را داشته باشد تا در میدان انتخابی خود، فردی را برای همسری گزینش کند که در قیاس با پایگاه اقتصادى و اجتماعى خود بالاتر باشد که در این صورت فرد با کسب سرمایه فرهنگى خود، تحرك اجتماعى پیدا می‌کند. بر اساس اندیشه وینچ «این تفاوت آن‌چنانکه در آغاز به نظر می‌رسد، جدی و محسوس نیست و هر فرد در داخل میدان ازدواج می‌تواند به انتخاب همسر پردازد (ساروخانى، ۱۳۹۳: ۱۳۶)؛ لیکن افراد تمایل دارند که همسری را انتخاب کنند که با پایگاه اقتصادى و اجتماعى پدری، شباهت نداشته باشد ولی با خود همسر، همسان باشد» (ساروخانى، ۱۳۹۳: ۱۳۶). بنابراین تحرك اجتماعى در داخل میدان ازدواج هم تابع توان فرد و عاملیت در سطح خرد است و از سویی دیگر تابع موقعیت اجتماعى و سازوکارهای آن مانند گفتمان مسلط، ارزشها و عقاید خواهد بود. به نوعی می‌توان گفت تحرك اجتماعى از روزنه ازدواج ناشی از فرایند دیالکتیک میان فرد و جامعه است. فرد به فراخور و کسب بهره‌مندی از سرمایه فرهنگى و اجتماعى فراتر از تشابهات گروهی خود به انتخاب همسر اقدام می‌کند. بر اساس اندیشه بورديو ازدواج و تحرك اجتماعى فرایندی محض نیست و به صورت فرایندی دیالکتیک میان فرد و خانواده و جامعه است؛ به عبارتی فرد با اکتساب امتیازات فردى تحصیلات عالی و سطح درآمد و کسب منزلت شغلی و در نظر گرفتن شرایط علّی گفتمان مسلط فردیت و کم‌رنگ شدن ارزشهای اجتماعى و سنتی در جامعه از خانواده‌هایی همسر خود را گزینش می‌کند که در قیاس با خانواده خود فرد از سطح اجتماعى و اقتصادى بالاتری برخوردار باشد.

پژوهش به منظور ساخت يك الگوى نظرى و مفهومى علمى مناسب از روش استاندارد و منظم بهره برده است؛ بنابراین پس از اشاره به پيشينه تحقيق به دنبال خلق دیدگاهی است تا بتواند، منطق لازم را در استدلال موضوع تحرك اجتماعى و همسرگزینی، استحکام بخشد.

این مقاله با روش پیمایشى مقطعى با ابزار پرسشنامه در مقياس ليکرت در پی بررسى جامعه‌شناختى ازدواج و تحرك اجتماعى است. جامعه آمارى افراد متأهل زیر ۵۵ سال شهر تهران است. با توجه به اینکه آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵ انجام گرفته و نتایج آن در دسترس نبوده، محقق برای گرفتن آمار دقیق تعداد متأهلان جامعه مورد نظر به نتایج سرشماری ۱۳۹۰ مراجعه کرده است. بر این اساس جمعیت تهران در سال ۱۳۹۰ بر اساس نتایج مرکز آمار، ۸ میلیون و ۱۵۳ هزار و ۹۷۴ نفر بوده است که این تعداد از جمعیت در ۶ هزار و ۱۴ حوزه سکونت دارند. از میان این تعداد، ۴ میلیون و ۲۶۲ هزار و ۴۷ نفر متأهل گزارش شده است. با توجه به حجم زیاد جامعه آمارى و محدودیت زمان و بودجه پژوهش در نمونه‌ای که معرف و متناسب با وضع جامعه باشد، نمونه مورد نظر انتخاب و انجام شد. شیوه نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده از متأهلان مراجعه کننده به مکانهای عمومی مثل خیابانها و معابر و پارکها انجام گرفت. در این شیوه از نمونه‌گیری به برقراری تساوی بین دو جنس (زن و مرد) در پرکردن پرسشنامه نیازی نیست؛ اما پژوهشگر برای اینکه تصادفی‌سازی بهتری را انجام دهد، تلاش کرده است تا پرسشنامه‌ها را در سطح پراکندگی غیر متمرکزی توزیع کند. به این منظور پرسشنامه در مکانهای عمومی مختلف در اختیار افراد حائز شرایط قرار داده شد (فرهنگسراها، پارکها، سینما و اماکن عمومی). نویسنده مقاله با مشورتی که با کارشناسان آماری و کارشناسان روش تحقیق به عمل آورده، روش مناسب نمونه‌گیری در این مطالعه را روش «تصادفی ساده» انتخاب نموده است. (چرا که در این روش امکان اینکه نمونه‌هایی از آن جامعه چهار میلیون و دویست و شصت و دو هزار و چهل و هفت نفر، که گذرشان به اماکن عمومی و معابر بیفتد، وجود دارد.)

حجم نمونه بر اساس خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با خطای نمونه‌گیری ۰.۵ درصد بر اساس فرمول کوکران ۳۸۰ نفر در نظر گرفته شده است. برای اعتبارسنجی متغیرها از اعتبار صوری مبتنی بر داوری و قضاوت متخصصان و اعتبار سازه^۱ و در پایایی گویه‌های پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار آلفای به‌دست آمده با استفاده از نسخه ۲۱ نرم‌افزار

spss، ۰/۸۳۴ گزارش گردید. با توجه به نبود آمارهای ثبتی دقیق و رسمی تعداد افرادی که برای اولین بار ازدواج کرده‌اند و یا حداقل ازدواج اولشان بوده است، محقق برای توزیع پرسشنامه، کسانی را که دارای شروط: ۱- ساکن دائمی شهر تهران باشند. ۲- حداکثر سن یکی از زوجین ۵۵ سال باشد. ۳- به زندگی زناشویی با همسر وارد شده باشند. ۴- در ازدواج اولشان با همسر خود باشند را در مطالعه خود وارد نموده است. در پرسشنامه علاوه بر گویه‌های سؤالات هویتی در سطح اسمی و ترتیبی و رتبه‌ای، نه تنها به بررسی متغیرهایی که گویای پایگاه اقتصادی و اجتماعی فرد باشد، بلکه اطلاعات مربوط به همسر و پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده وی را از فرد گرفته است. از میان تعداد کل پرسشنامه‌ها، ۳۵۷ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت.

برای ارزیابی روایی پرسشنامه از نظر متخصصان و استادان راهنما و مشاور استفاده شده است و پس از اطلاع از نظر ایشان نسبت به میزان هماهنگی محتوای پرسشنامه و هدف پژوهش، موارد اصلاحی اعمال شد. هم‌چنین پایایی پرسشنامه را با معیار آلفای کرونباخ می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد:

جدول ۲: نتایج مربوط به معیار آلفای کرونباخ به منظور بررسی پایایی پرسشنامه

تعداد پرسشنامه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
۳۵۷	۲۸	۰/۸۳۴

یافته‌ها

از میان ۳۵۲ نفر پاسخگو به لحاظ ترکیب جنسی، ۵۳/۱ درصد مردان و ۴۶/۹ درصد زن هستند. به لحاظ ترکیب سنی، کمینه حجم نمونه ۲۰ سال و بیشینه آن ۵۵ سال است که میانگین سنی آن ۳۴/۱۷ سال است. از لحاظ وضعیت اشتغال ۷۴/۹ درصد شاغل و ۲۵/۱ درصد غیر شاغل بوده‌اند. از این میان هنگام ازدواج ۲۶/۳ درصد همسرشان را خود انتخاب نموده و ۲۳/۴ درصد از طریق دوستان و آشنایان و ۳۲/۹ درصد از طریق خانواده‌ها و ۱۵/۹ درصد از طریق تعلقات قومی و ۱/۴ درصد از طریق شبکه‌های مجازی با همسران خود آشنا شده‌اند. با توجه به این سطح از طبقه‌بندی در این تحقیق برای آشنایی در انتخاب همسر، سهم خانواده در میان مردان ۳۸ درصد و سهم زنان ۲۸/۲۸ درصد است. هم‌چنین میزان آشنایی افراد هنگام ازدواج با همسر ۴۲/۳ درصد نسبت به یکدیگر فاقد شناخت لازم بوده‌اند و ۳۰ درصد تا حدودی و فقط ۲۷/۲ درصد نسبت به یکدیگر شناخت قبلی داشته‌اند.

با توجه به نتایج جدول ۳، میزان کم‌رنگ شدن ارزشهای سنتی در ازدواج با چگونگی آشنایی

با همسر برای ازدواج ارتباطی معنادار دارد به این مفهوم که مثلاً میزان کمرنگی ارزشهای سنتی در افرادی که از طریق خانواده برای ازدواج آشنا شدند و افرادی که از طریق شبکه‌های اجتماعی آشنا شدند با هم متفاوت است به طوری که بیشترین کمرنگی ارزشها در افرادی است که از طریق شبکه‌های اجتماعی با یکدیگر برای ازدواج آشنا شده‌اند؛ یعنی میانگین ۴ و کمترین هم ۳/۰۱ برای افرادی است که از طریق خانواده‌هایشان برای ازدواج آشنا شده‌اند این در حالی است که بعد از آن، خود فرد، سپس دوستان و همکاران و در نهایت اقوام از میانگین کمتری در کمرنگی ارزشهای سنتی نسبت به شبکه‌های اجتماعی برای ازدواج برخوردار هستند.

جدول ۳: تحلیل رابطه متغیر کمرنگ شدن ارزشهای سنتی و چگونگی آشنایی افراد برای ازدواج

متغیر	چگونگی آشنایی با همسر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون کروسکال والیس	
						آماره آزمون	مقدار معناداری
کمرنگ شدن ارزشهای سنتی	خود	۲	۵	۳/۵۰	۰/۶۳۸	۱۸/۱۲	< ۱۰ ^{-۴}
	دوستان و همکاران	۱/۶	۴/۸	۳/۳۶	۰/۶۸۰		
	خانواده	۱/۸	۵/۰	۳/۰۱	۰/۶۴۴		
	اقوام	۱/۸	۵/۰	۳/۰۹	۰/۶۸۵		
	شبکه اجتماعی	۲/۲	۴/۰	۳/۶۲	۰/۶۷۲		

هم‌چنین پژوهشگر همبستگی میان دو متغیر «پایبندی به ارزشهای سنتی و مدت زندگی مشترک» را مورد توجه قرار داده است. اگر فرض مورد بحث درست باشد، بین این دو متغیر همبستگی منفی وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چه مدت زمان گذشته از ازدواج فرد کم باشد (فرد اخیراً ازدواج کرده باشد)، میزان کمرنگ شدن ارزشهای سنتی بیشتر می‌شود. برای بررسی این فرضیه از تحلیل همبستگی می‌توان استفاده کرد.

جدول ۴: نتایج مربوط به تحلیل همبستگی مدت سپری شده از ازدواج و کمرنگ شدن ارزشهای سنتی

آزمون کلموگروف - اسمیرنوف		آزمون همبستگی پیرسون		آزمون همبستگی کندال	
مدت زندگی مشترک		کمرنگ شدن ارزشهای سنتی		ضریب همبستگی پیرسون	
p-value	آماره آزمون	p-value	آماره آزمون	p-value	تاو کندال
< ۱۰ ^{-۱۰}	۰/۱۱۱	< ۱۰ ^{-۵}	۰/۰۸۵	۰/۰۹	-۰/۰۸۶

در جدول ۴ نتایج مربوط به تحلیل همبستگی ارائه شده است. برای بررسی عادی بودن توزیع متغیرها از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف استفاده شده است که معناداری این آزمون برای هر دو متغیر نزدیک به صفر است. بنابراین فرض عادی بودن توزیع داده‌ها رد می‌شود.

بر این اساس آزمون پارامتری همبستگی پیرسون معتبر نخواهد بود و باید از آزمون ناپارامتری همبستگی کندال استفاده شود (هر چند ضریب همبستگی پیرسون نیز در جدول گزارش شده است). آماره تاو کندال برابر $0/086-$ و معناداری برابر $0/024$ است. چون میزان معناداری از $0/05$ کمتر است در سطح ۵ درصد آزمون معنادار است؛ بدین معنی که فرض صفر بودن ضریب همبستگی رد می‌شود. چون علامت آماره تاو کندال منفی است، پس این دو متغیر ارتباطی معنادار و در جهت عکس یکدیگر دارند؛ به عبارت دیگر، کسانی که در سالهای اخیر ازدواج کرده‌اند، کم‌رنگ شدن ارزشهای سنتی در ازدواجشان نمود بیشتری داشته است.

در حالت کلی می‌توان نمایش برد متوسط تحرک در میان مردان در زمینه ازدواج و امر همسرگزینی را مورد بررسی قرار داد. بر اساس فلسفه حیات زندگی مدرن، که در آن خرد و عقلانیت انسان کانون تصمیمات فرد قرار می‌گیرد، می‌توان گفت میدان ازدواج دارای مؤلفه‌هایی است که در درجه‌های متفاوتی از اهمیت برای افراد مختلفی از افراد جامعه است. از جمله متغیرهایی که در این تحقیق فرد بر اساس آنها تلاش دارد تا در تحرک اجتماعی سهم مثبت و صعودی را به خود بگیرد و حرکت و جابه‌جایی فرد را در لایه‌های اجتماعی آسان کند، می‌توان به جدولهای ذیل اشاره کرد:

جدول ۵: نتایج مربوط به آزمون ویلکاکسون برای آزمون بالاتر بودن سطح تحصیلی زوجه نسبت به زوج

نام متغیر	تعداد	آماره آزمون	مقدار معناداری
اختلاف سطح تحصیلی	*۳۴۳	۷۴۴۰/۵	۰/۹۲۰

* لازم به ذکر است در قسمت تعداد در جدول ۵ و سایر جداول، ارقام بر اساس ارقام خالص و معتبر است؛ به عبارتی از میان ۳۵۷ نفر پاسخگو، ۳۴۳ نفر به این سؤال پاسخ دادند.

در جدول نتایج مربوط به آزمون ویلکاکسون آمده است. فرض صفر این آزمون (فرض یکطرفه) کمتر بودن سطح تحصیلی زوج نسبت به زوجه است. طبق نتایج این جدول با توجه به معناداری گزارش شده، فرض صفر آزمون قویاً مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر سطح تحصیلی مردان نسبت به همسرانشان به طور متوسط کمتر بوده است.

با استفاده از آزمون ويلكاكسون فرض بيشتر بودن سطح درامدی همسران مرد نسبت به زوجه خود را مورد بررسی قرار می‌دهيم. نتايج در جدول زیر آمده است. در این آزمون از فرض صفر يکطرفه استفاده شده است. فرض صفر بيشتر بودن سطح درامدی مردان نسبت به همسرانشان است. معناداری این آزمون برابر ۱ به دست آمده است؛ بنابراین قویاً فرض صفر این آزمون تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر سطح درامدی مردان نسبت به همسرانشان در زمان ازدواج بيشتر بوده است.

جدول ۶: نتايج مربوط به آزمون ويلكاكسون برای آزمون بالاتر بودن سطح درامدی زوج نسبت به زوجه

نام متغير	تعداد	آماره آزمون	مقدار معناداری
اختلاف سطح درآمدی	*۲۱۷	۲۸۷۴	۱

جدول ۷: تحرك سطح شغلی پدر زوج

نام متغير	تعداد	آماره آزمون	مقدار معناداری
اختلاف سطح شغلی پدر مرد	*۳۱۱	۸۳۶۵/۵	۰/۰۰۷

با توجه به میزان معناداری به دست آمده، سطح شغلی پدر زوج، تحركی معنادار دارد و با توجه به منفی بودن میزان میانگین تحرك، نتیجه می‌شود که شغل پدر مرد نسبت به سطح شغل پدر همسرش، تحركی منفی داشته است.

جدول ۸: تحرك سطح اختلاف درآمد پدر زوج

نام متغير	تعداد	آماره آزمون	مقدار معناداری
اختلاف درآمد پدر زوج	*۲۸۰	۳۶۸۲/۵	۰/۰۰۰۳

هم‌چنین با توجه به میزان معناداری که از ۰/۰۵ کمتر است، نتیجه می‌شود که درآمد پدر زوج تحركی معنادار داشته است. با استفاده از نتايج جدول نتیجه می‌شود که این تحرك منفی است؛ به عبارت دیگر میزان درآمد پدر مرد به‌طور متوسط از میزان درآمد پدر همسرش کمتر بوده است. هم‌چنین از آنجا که متغير سطح تحصیلی از نوع کیفی ترتیبی است برای آزمون ارتباط بین دو متغير سطح تحصیلی پدر زوج و زوجه باید از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده کرد. نتايج مربوط به این آزمون در جدول زیر آمده است:

جدول ۹: ضریب همبستگی اسپیرمن برای مقایسه میزان سطح تحصیلی پدر زوج و پدر زوجه

۰/۴۵۱	ضریب همبستگی اسپیرمن
۰/۰۰۰	مقدار احتمال
۳۳۸	تعداد

میزان همبستگی در جدول برابر ۰/۴۵۱ است و با توجه به مقدار احتمال (۰/۰۰۰) در سطح معناداری ۵ درصد نتیجه می‌شود که بین سطح تحصیلی پدر زوج و زوجه ارتباط معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر هر چقدر که سطح تحصیلی پدر یکی از زوجین بالا باشد، انتظار می‌رود که سطح تحصیلی پدر همسرش نیز بالا باشد. با توجه به تحرک مثبت سطوح مختلف زوج، انتظار می‌رود که در یک زن و مرد، این افزایش در سطح تحصیلی پدر زوجه بیشتر باشد. بنابراین در حالت کلی، در این بررسی می‌توان به متغیرهایی چون سطح تحصیلی زوج، سطح درآمد زوج، سطح درآمد پدر زوج، سطح شغلی پدر زوج که در میان پاسخ‌دهندگان زن و مرد مشترک بوده، اشاره نمود. با توجه به برآورد این متغیرها و ارقام به دست آمده می‌توان به جدول ذیل اشاره کرد:

جدول ۱۰: نمایش برد متوسط تحرک در میان مردان

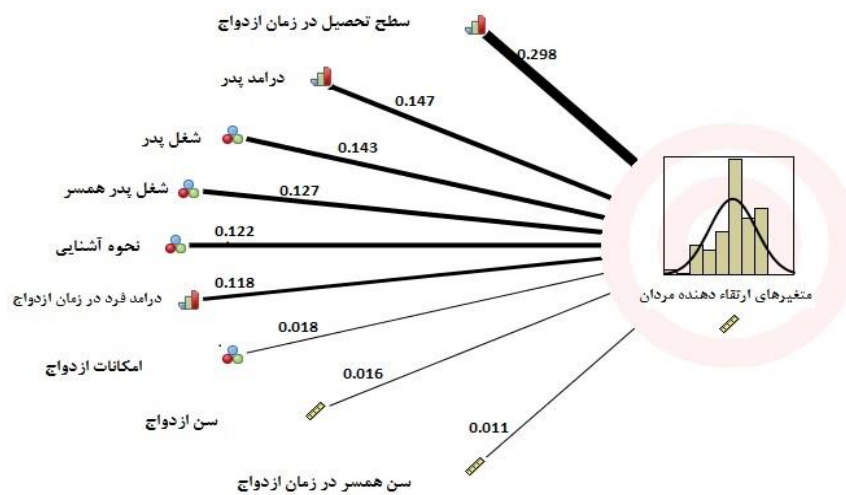
متغیر	متوسط تحرک	درصد تحرک منفی	درصد بدون تحرک	درصد تحرک مثبت
سطح تحصیلی زوج	-۰/۸	٪۲۹/۸	٪۴۶/۵	٪۲۳/۷
سطح درآمد زوج	+۰/۴۱	٪۷/۸	٪۷۲/۰۷	٪۲۰/۱۱
سطح تحصیل پدر زوج	-۰/۳۷	٪۳۲/۱۹	٪۵۴/۳۷	٪۱۳/۴۴
سطح درآمد پدر زوج	-۰/۳۶	٪۳۳/۲۱	٪۴۷/۱۴	٪۱۹/۶۵
سطح شغلی پدر زوج	-۰/۲۴۷	٪۴۰/۸۳	٪۳۳/۷۷	٪۲۵/۴۰

در جدول ۱۰، محقق به طور کلی و خلاصه متغیرهای سطح تحصیلی زوج، سطح شغلی پدر زوج، سطح درآمد پدر زوج، سطح تحصیل پدر زوج، را به ترتیب با برد متوسط تحرک ۰/۸-، ۰/۳۷-، ۰/۳۶-، ۰/۲۴۷- در مقایسه با زنان با ضریب منفی نمایش داده است؛ به عبارتی مردان در این متغیرها در قیاس با خانواده همسر از برد کمتری برخوردار بودند. بنابراین با در نظر گرفتن این سطح از اختلاف، مردان از روزنه ازدواج بواسطه متغیرهای ذکر شده در جدول ۱۰ دارای تحرک عمودی از نوع ارتقایی (منظور جنبه کمی است و به معنای ارتقای فرهنگی نیست). بوده است. در رابطه با سطح درآمد زوج با برد متوسط ۰/۴۱+، اختلاف سطح درآمد زوج بیش از درآمد زوجه نشان داده است که در این زمینه مردان در سطح مناسبتری از زوجه خود بوده‌اند.

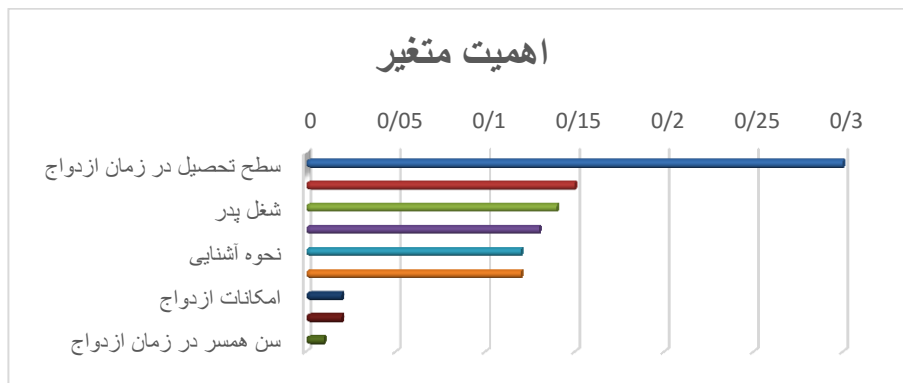
از میان متغیرهای پرسشنامه، مهمترین متغیرهای گزینش همسر را که از اهمیت بیشتری برای پاسخ‌دهندگان زن و مرد برخوردار است، می‌توان به نمودارهای ذیل به طور تفکیک شده در میان

هر دو جنس، اشاره کرد:

در میان متغیرهای موجود در تحقیق در نهایت ۹ متغیر که بیشترین اثرگذاری را داشته توسط الگو انتخاب شده است. این متغیرها شامل متغیرهایی است که در شکل ذیل آمده است:

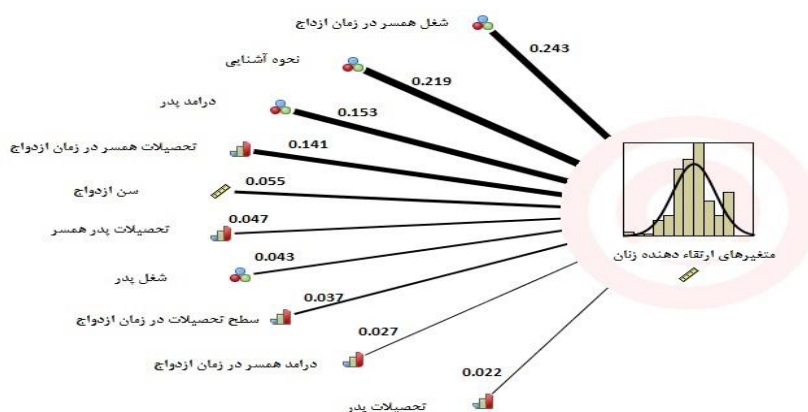


نمودار ۲: متغیرهای ارتقاء دهنده در میان مردان از میان متغیرهای مختلف



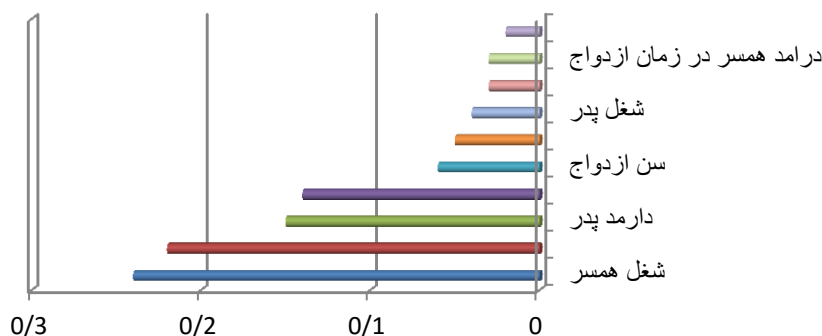
نمودار ۳: نمایش درجه اهمیت متغیرهای الگوی نهایی ارتقای مردان

طبق آنچه در نمودار ۲ و ۳ قابل مشاهده است، محقق متغیرهایی را در مقایسه سطح زن و مرد در هنگام ازدواج، مورد مقایسه قرار داده است. از میان آنها، بر اساس ضرابی که به خود اختصاص داده‌اند اهمیت متغیرها مشخص شده است که در میان زن و مرد (زن: پاسخ‌دهندگان زن، مرد: پاسخ‌دهندگان مرد)، هر کدام با همسران خود ارزیابی شده‌اند.



نمودار ۴: متغیرهای ارتقاء دهنده در میان زنان از میان متغیرهای مختلف

اهمیت متغیر



نمودار ۵: نمایش درجه اهمیت متغیرهای الگوی نهایی ارتقای زنان

بر اساس آنچه ذکر شد می‌توان گفت درجه اهمیت متغیرها، در میان زن و مرد در قیاس با همسرانشان، با یکدیگر متفاوت است.

بحث و نتیجه‌گیری

ازدواج و معیارهای همسرگزینی در موقعیت گذر از سنتی ناشناخته و تخریب شده به مدرنیته‌ای بد فهمیده شده در حال انتقال است. این نتیجه خود می‌تواند بیش از هر عامل دیگری تحت تأثیر اسباب زندگی مدرنیته قرار گیرد و جریان فردیت بسیاری از زوایای فکری و اندیشه انسانها و از طرفی مختصات عوامل مادی زندگی بشر را دستخوش جابه‌جایی، تغییر و تحول کند. «طی سالهای

گذشته به موازات تغييرات اقتصادي و سياسي که در جامعه ما روي داده است، بسياري از ارزشها و هنجارهاي اجتماعي نيز دستخوش تغيير و دگرگوني شده است. اين هنجارها، که به آرامي جاي خود را در ميان باورها و اعتقادات مردم باز مي کنند، ممکن است با باورهاي گذشته همخواني چنداني نداشته باشد و حتي در تعارض با آنها قرار گيرد. تغييرات در زمينه شيوه هاي همسريابي و ازدواج جوانان از جمله مواردی است که بسياري از خانواده ها را با مسائل متعددی روبه رو کرده است» (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۱۵). از سويي ديگر در جهان نو، انسان هزاره سوم براساس اهميتي که به فلسفه و جايگاه وجودي انسان مي دهد، او را بيش از پيش متوجه خود و اهميت فرد در کره خاكي کرده است. متناسب با اين نوع از توجه، نيازهاي متعددی در انسان سر بر آورده است به گونه اي که گاهي نياز را معادل با فرهنگ خود مي داند؛ به عبارتي فرهنگ و نياز دو روي سکه بشر امروزين تلقی می شود. از جمله يکي از اين نيازهاي مهم، نياز به خودشکوفايي است که در طبقه نيازهاي عالي انسان قرار دارد. جوانان جامعه بر اساس درک واقعيتي که از جامعه گذشته خود دارند، انسان گذشته را محتوم به حصار فرهنگ قالبی می دانند و لذا برای رهايی و گسستن اين حصار سعی در بهره برداری از فرصتها و ظرفيتهاي ناشکفته خود می کنند و انتخابهاي خود را با آزادي عمل بيشتری انجام می دهند و در واقع نسبت به شناسنامه فرهنگي و اجتماعي خود دچار بی اعتنايي و بی توجهی می شوند. در رويکرد ميدان انتخابی بورديو افراد برد متوسط و شعاع ارتباطی خود را در گروه هاي ديگر وسعت می بخشند و به عبارتي انسانها خود را از فرمان فرهنگ رها می سازند (کارکرد فرهنگ را در ايجاد محدوديت و ممنوعيت حتي در گزينش همسري غير از گروه خود زير سؤال می برند). با توجه به اين گونه از انتخاب همسر می توان شاهد گشايش لايه هاي مختلف اجتماعي بود تا بتوانند به منظور شکوفا شدن و بهره مندی از فرصتهاي مختلف، ارتقا يابند. در آنچه آمد بر اساس متغيرهايی که در الگوي نظري قابل مشاهده است برای بررسی تحرك اجتماعي ميان مردان و زنانی که با يکديگر ازدواج نموده اند، سطح تحصيلی زوج، سطح شغلي پدر زوج، سطح درآمد پدر زوج و سطح تحصيل پدر زوج را به ترتيب با برد متوسط تحرك ۰/۸-، ۰/۲۴۷-، ۰/۳۶-، ۰/۳۷- در مقايسه با زنان با ضريب منفي نمايش داده است؛ به عبارتي مردان در اين متغيرها در قياس با خانواده همسر از تراز کمتری برخوردار بودند. با توجه به اين کسري، که در واقع در نوع خود جزء امتيازات اکتسابی است، مردان در نردبان اجتماعي با انتخاب بالادست همسري (برون همسري) خود را ارتقا بخشيدند و کسري اجتماعي خود را از اين طريق برطرف کردند. همواره مردان در اين هويت سازي جديد گوي سبقت را از زنان می ربايند و برای ارتقای خود در

انتخاب همسر به منافع فردی دقت می‌کنند؛ هر چند این انتخاب به بهای خارج شدن فرد از گروه خود صورت گیرد؛ چنانکه در تحقیقی که در سال ۱۹۷۳ توسط باقر ساروخانی در تهران صورت گرفت، جوانان در انتخاب همسر خود، تمایل و مجوز هنجاری نداشتند که از گروه‌هایی غیر از گروه خود، همسر خود را اختیار کنند؛ به عبارتی همسرگزینی کاملاً اجتماعی بود و فرد در جامعه در درون گروه خود حرکت داشت و انتخابهایش برای ازدواج و همسرگزینی همسان و درون گروهی انجام می‌گرفت در حالی که در دوره مدرن در میدان ازدواج، مختصات گزینش همسر از پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده فرد، متفاوت بوده است. فرد برای جداسازی و تمایز خود در گزینش و انتخاب همسر با استفاده از امکانات و دارایی (ثروت) و سرمایه فرهنگی خود، بیشتر و صرفاً با هویت فردی خود ورود می‌کند و حتی طرف مقابل را برای گزینش همسر با هویت فردی (مهمتر از خانواده) ارزیابی می‌کند و در صورت نیاز، عواملی را در نظر خواهد گرفت که به ارتقای خود فرد منجر گردد. البته در این اقدام بر اساس یافته‌های این تحقیق قدر مسلم ابتدا خود فرد و منافع وی و سپس خانواده و در نهایت ارزشهای سنتی از اهمیت برخوردار است؛ چنانکه فرد با این انتخاب می‌تواند با توان و جرأت بیشتری حرکت اجتماعی را در خود ایجاد کند. چه بسا در اثر این گونه از حرکت‌های درونی در لایه‌های مختلف اجتماعی است که بتوان جامعه شایسته‌سالار را ترسیم، و به‌واقع مشاهده کرد؛ در این صورت فرزندان از جامعه که در اثر سرنوشت خانوادگی خود به تعلق در طبقه‌ای خاص محکوم هستند بر اساس شایستگی‌هایی که در جامعه بر اساس آنچه خود کسب نموده‌اند، می‌توانند در طبقات دیگر اجتماعی حضور یابند و ضمن انعطاف و پویایی لایه‌ها و طبقات اجتماعی از طریق تعاملات طبقاتی از فرصت‌ها و امکانات طبقه دیگر نیز بهره‌مند شوند. به طوری که در غیر این صورت در آن فرصت‌های اجتماعی همچون جوامع گذشته، متعلق به یک گروه خاص یا نژاد برتر یا قوم برتر خواهند بود و انسانها باید به پذیرش این قاعده اجتماعی محکوم باشند. البته جوامع در این دروه از زمان تاریخی به سمتی حرکت می‌کنند که در آن گشایشهای اجتماعی و طبقاتی و دستیابی به فرصت‌های برابر بر اساس کسب شایستگی و اهمیت جایگاه انسان و انتخابهایش در بسیاری از امور اجتماعی و حتی فردی، بیش از هر دوره‌ای از تاریخ است.

منابع

- ابراهیمی، هادی (۱۳۸۴)، آیا تو آن گمشده‌ام هستی. نوشته دی آنجلس، باربارا. تهران: انتشارات نسل نو اندیش.
- اشرف، احمد؛ بنوعزیزی، احمد (۱۹۸۴). طبقات اجتماعى، دولت و انقلاب در ایران. ترجمه سهیلا ترابى فارسانى (۱۳۸۷). تهران: انتشارات نیلوفر.
- اعزازى، شهلا (۱۳۷۶). جامعه‌شناسى خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ایمانی، الهه؛ سفیری، خدیجه (۱۳۸۵). تحرك اجتماعى بین نسلى زنان در تهران با تأکید بر دسترسی به امکانات و فرصت‌ها. مجله پژوهش زنان. شماره ۱ و ۲.
- توسلى، غلامعباس (۱۳۸۴). نظریه‌های جامعه‌شناسى. تهران: سمت.
- جلايى‌پور، حمیدرضا؛ محمدی، جمال (۱۳۸۷). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسى. تهران: نشر نی.
- جلیلی، هادی (۱۳۸۶). کشاکش آراء در جامعه‌شناسى. نوشته استیون سیدمن (۱۹۹۴). تهران: نشر نی.
- جمشیدیها، غلامرضا؛ پرستش، شهرام (۱۳۸۶). دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل‌پی‌یر بوردیو، نامه علوم اجتماعى. شماره ۳۰: ۱ تا ۳۲.
- چاوشیان، حسن (۱۳۸۳). جامعه‌شناسى پست مدرنیسم. نوشته اسکات لث (۱۹۹۰). تهران: مرکز.
- چاوشیان، حسن و جوافشانی، لیلا (۱۳۸۵). پی‌یر بوردیو. نوشته ریچارد جنکینز (۱۹۹۲). تهران: نشر نی.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۸۴). روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسى. تهران: بازتاب.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعى. نوشته آلن بیرو (۱۹۶۶). تهران: کیهان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسى خانواده. تهران: سروش.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسى خانواده. چاپ دوازدهم. تهران: سروش.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسى خانواده. چاپ نوزدهم. تهران: سروش.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۳). تبیین در علوم اجتماعى. ترجمه دانیل لیتل (۱۹۹۱). تهران: نشر مؤسسه فرهنگى صراط.
- شارع پور، محمود و خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۱). رابطه سرمایه فرهنگى با هویت اجتماعى جوانان. نامه علوم اجتماعى. شماره ۲۰: ۱۳۳ تا ۱۴۷.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۷). درباره تلویزیون و سلطه ژورنالیسم. نوشته پی‌یر بوردیو (۱۹۹۶). تهران: آشیان.
- فنى، نصرت (۱۳۷۸). فرهنگ و رفتار اجتماعى. نوشته هری تریاندیس (۱۹۹۴). تهران: نشر رسانش.
- قائمى زاده، محمد سلمان؛ کولیوند، شکيبا؛ کرد، زهرا (۱۳۹۴). روند تحرك اجتماعى در ایران در طى پنج دهه اخیر. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتى و روانشناسى. تهران: مطالعات اجتماعى و فرهنگى.

قائم‌زاده، محمدسلیمان (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی قشربندی و تحرک اجتماعی. همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.

کاظمی پور، شهلا (۱۳۷۴). مهاجرت و تحرک اجتماعی. رساله دکتری. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
محمودیان، حسین (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش، بررسی عوامل پشتیبان. نشریه علوم اجتماعی، نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۴: ۲۷ تا ۵۴.

مرادی، علی؛ رحیمی تبار، مراد؛ مهماندوست، احمد؛ وزیری، داریوش (۱۳۹۴). نقش آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اجتماعی در تحرک اجتماعی. دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد، دانشگاه تربت حیدریه:

https://www.civilica.com/Paper-ICPE02-ICPE02_679.html

معصومی راد، رضا؛ نایبی، هوشنگ (۱۳۹۲). عوامل اجتماعی مؤثر بر تحرک اجتماعی (شغلی) اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی. فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی. شماره ۷: ۱۰۳ تا ۱۳۴.
ممتاز، فریده (۱۳۸۳). معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو. پژوهشنامه علوم انسانی. شماره ۴۱ و ۴۲: ۱۴۹ تا ۱۶۰.

موحد، مجید؛ محمدتقی، عباس شوازی (۱۳۸۵). بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزشهای سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج. مطالعات زنان. شماره ۱: ۶۷ تا ۹۹.
نیک گهر، عبدالحسین (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی. ترجمه تأمین ملوین (۱۹۵۳). تهران: نشر توتیا.

وثوقی، منصور؛ نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۷۶). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: خردمند.

Anning Hu, Zhenchao Qian(2015): Educational homogamy and earnings inequality of marred Couples: Urban China, 1988-2007.fudan University China.

Jing Song, Erin Cavusgil, Jianping Li,* Ronghua Luo (2015), Social stratification and mobility among Chinese middle class households: An empirical investigation, jo u rn al h om epag e: ww w.els evier.c o m/lo cat e/ibu s rev

Saroukhani , B(1973) "Family and Social Mobility" , in International Journal of sociology of Family, Vol 2.3 pp:162-166.

Stijn Daenekindt, Henk Roose(2014), "Social Mobility and cultural dissonance", Ghent University , Research Team cuDOS.

Zahra Ghaffari, Mansour Haghighatian (2016), The Relationship between Objectified Cultural Capital and Intergenerational Social Mobility, Journal of Social Sciences, Vol. 13, No.1, Serial No.27.pp: 43-45